

همه در تغییر به جز سیاست

عباس عبدي

ویژگی مثبت هر انسان و حتی موجود زنده انعطاف‌پذیری و نه یک‌دندگی آن است. ما نمی‌توانیم در دمای منهای 10 درجه از همان پوشش و لباسی استفاده کنیم که در هوای ۴۰ درجه بالای صفر استفاده می‌کنیم. شاید اندازه و اثر درجه حرارت هوا خیلی روشن و قابل درک باشد، ولی سیاست هم کمابیش همین‌گونه است، یک نظام کارآمد، قابلیت انعطاف دارد. این را نباید به عقب‌نشینی تعبیر کرد. ما که در هوای ۱۰- گرم‌ترین لباس را می‌پوشیم، آیا هنگامی که وارد هوای گرم ۴۰ درجه می‌شویم و لباس‌های خود را به حداقل می‌رسانیم عقب‌نشینی کرده‌ایم؟ این یک‌دندگی عین بلاهت و نابخردی است. ما به همان علتی که در هوای ۱۰- لباس بسیار گرم می‌پوشیم، در هوای گرم نیز باید لباس خنک بپوشیم. در ظاهر دو نوع لباس متفاوت داریم، ولی در واقع هر دو از یک منطق مشترک تبعیت می‌کنند. آنچه که امروز جامعه ایران با آن مواجه است، تبعیت از چنین منطق ساده‌انگارانه‌ای است که گویی مرغ سیاست آنان یک پا دارد و به هیچ تغییراتی پاسخ نمی‌دهد. اجازه دهید مستقیم‌تر سخن گفته شود. طی ۴۴ سال گذشته تحولات ایران بسیار عمیق بوده است. چند نسل آمده که هر کدام دنیای متفاوت و ارزش‌های گوناگون خود را دارند. هیچ‌کدام آنان تجربه انقلاب را نداشته‌اند. اگر دوره اجتماعی شدن افراد را از ورود به مدرسه در نظر بگیریم، یعنی افراد ۵۰ سال و کمتر هیچ ارتباطی با انقلاب نداشته‌اند. از سوی دیگر جهان نیز تغییرات بسیار بزرگی کرده، جهان دو قطبی شرق و غرب از میان رفته، فضای حاکم بر آن دوران که روحیه انقلابی بود دیگر وجود ندارد و جای آن حتی نوعی آنارشی در حال ظهور و قدرت‌گیری است. جهان رسانه زیر و رو شده و وارد عصر دیجیتال شده است. در ایران تحولات نهاد خانواده فوق‌العاده بوده. تغییرات در شهرنشینی، آموزش و تحصیلات عالی، حضور زنان، بسیار گسترده است. تحولات منطقه‌ای عمیق و همچنان وضع منطقه ناپایدار است. وضعیت ایران نسبت به کشورهای اطراف دچار تحول و تغییر شده است. به عبارت دیگر امروز در وضعیتی زندگی می‌کنیم که نه روابط بین‌الملل، نه نظام رسانه‌ای نه ساختار اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و نه حتی و مهم‌تر از همه نه ویژگی‌های شخصیتی فردی در ایران مطلقاً

مشابه گذشته نیست و همه اینها نیاز به تغییر و تحول را در سیاست و حکمرانی ضروری کرده است، ولی دریغ از اینکه همه چیز تغییر کرده جز سیاست که اگر هم تغییری داشته در جهت خلاف مسیر انطباق یافتن با این تحولات بوده و تغییرات آن همسو با تغییرات مذکور نبوده است. این ناهمخوانی است که موجب میشود جامعه دچار عدم تعادل شود و ثبات آن در خطر قرار گیرد که گرفته است.

اکنون و براساس این قاعده از دست‌اندرکاران حکمرانی در ایران باید پرسید که چه اتفاقی رخ دهد یا چه شرایطی حادث شود که سمت و سوی نحوه حکمرانی را تغییر خواهید داد؟ آیا همین شیوه ادامه دارد، ولو بلغ ما بلغ؟ اگر بلی، اینکه شیوه حکمرانی نیست. حکمرانی و سیاست، پاسخ مناسب به اتفاقات در شرایط خاص آنهاست و باید معطوف به نتیجه باشد. این با بی‌اصولي و تذبذب فرق می‌کند. هر قدر تذبذب بد است، یک‌دندگی بدتر است. باید از متولیان امر، این سوال را پرسید که در چه زمانی و تحت چه شرایطی فرمان حکمرانی تغییر خواهد کرد؟ چه وضعی باید پیش آید تا به ضرورت این تغییر پی ببرید؟ تیم‌های فوتبال هم براساس ترکیب طرف مقابل، تاکتیک یا افراد تیم را تغییر می‌دهند، چگونه شما عکس این عمل می‌کنید؟ امیدواریم، حداقل این یک پرسش را بی‌پاسخ نگذارید.